

حبيب مكرم جناب ملا علی ب ج عليه بهاء الله ملاحظه فرمايند

هو الأقدس الأعظم الأكرم العليّ الأبهي

الحمد لله الذي تجلّى للكائنات بالنقطة التي كانت مقدّسة عن الجهات و التقاط و أنّها لهي التي لا يرى فيها إلا الله منزل الآيات و تنطق في كلّ الأشياء لا اله إلا هو المهيم على من في الأرضين و السموات و أنّها لهي التي طرّرت بها الألواح في ملكوت الانشاء و زينّت جيروت الأسماء و الصفات و حكت عن تلك النقطة في مقام الأسماء عن نقطة تحت الباء البارزة عنها الهاء و اخبر عنها الكاظم بقوله الحمد لله الذي جعل كتاب الكينونة بالسّرّ بينونة بطراز النقطة البارز عنها الهاء بالألف بلا اشباع و لا انشقاق و أنّه قد اراد من النقطة الباء و أنّها اذا اتّصلت بالهاء ظهر الاسم الأعظم الذي به ارتعدت فرائص الأمم و تنزل من في العالم و به انصعق من في السموات و الأرض إلا من شاء الله مظهر البيّنات و أنّه لمكّم موسى من الشجرة في السبينا و ينطق من افقه الأبهي ظاهراً باهراً أنّه لا اله إلا انا المقدّس عن الأذكار و الاشارات طويي لمن نطق و عمل بما انزله الرّحمن في الفرقان بقوله تعالى قل الله ثمّ ذرهم في خوضهم يلعبون هذا يوم لا يذكر فيه الأسماء لأنّ الذي ظهر بالحقّ لا يحكى إلا عن الله كما اخبر به نقطة البيان بقوله أنّه هو الذي ينطق في كلّ شيء أنّي انا الله لا اله إلا انا المهيم القيوم و هذا يوم اخبر الله به حبيبه الذي تشرف به المعراج قال و قوله الحقّ لمن الملك اليوم لله الواحد القهار انّ الذي وجد عرف البيان انقطع عن الامكان و تمسك بالله وحده و شهد بما شهد لسان العظمة من قبل و من بعد و الذي غفل و تمسك بالظنون أنّه احتجب عن الكنز المخزون و السّرّ المكنون و يدور حول الأسماء التي خلقت بالكاف و التّون تالله قد انتهت الأسماء الى مبدئها و موجدتها الذي اذا اراد لشيء ان يقول له كن فيكون و الحمد لله الذي قد وفي بالوعد بظهور الموعود الذي به محت الآثار و سقطت الأثمار و انصعقت الأسماء و اصفرّت الأوراق و اندكّت الجبال و انفطرت السماء و كسفت الشّمس و خسفت الأقمار و تنزلت الأرض و ما فيها من القوّات تعالت عظمتها و جلّت قدرته و عظمت سلطنته الذي انطق كلّ شيء بشيء هذا اليوم الأبدع الأمتع الأقدس الموعود ولكنّ القوم اكثرهم لا يفقهون منهم من تمسك بالأوهام و جعلها ارباباً لنفسه من دون الله و منهم من نبذها و نطق في كلّ الأحيان الله الله قد آمنت بك منقطعاً عن الأسماء و عمّا ظهر في الانشاء نشهد أنّه فاز بالتوحيد و كوثر التجريد و عرف المقصود اذ اظهر نفسه لمن في الملك و الملكوت

يا حبيب قلبي قد هزنتي نفحات حبّكم و نسمات وذكّم بمشاهدة كتابكم مرّة بعد مرّة و اخذت القلم ان اترجم ما في قلبي من محبة احبّاء الله و اصفياته ولكن أنّه يصيح و يقول هذا مضمار لن يقدر ان يجول فيه مثلي لأنّ هذا مقام اقرت الألسن بعجزها عن ذكره و الأفلام بقصورها عن ثنائه ولكن مع الاعتراف بالقصور و العجز اذكر على قدرى و مسكنتي و اسأل الله ان يلهمني ما ينبغي لأحبّائه و يليق لأصفياته أنّه لهو الملهم المعلم المقتدر الخبير فلما فزت بكتابكم و اطّلت بما فيه قصدت المقصد الأقصى و المنظر الأعلى و عرضت لدى العرش اذاً تكلم لسان العظمة بما اشرفت به شمس العناية و الألطاف قال و قوله الحقّ اى على الحمد لله بانوار فجر ظهور فائز شدى و بمقصود عالميان توجّه نمودى و لدى الوجه مذكوري از حوادث دنيا محزون مباش آنچه حكمت بالغه الهى اقتضا نمايد ظاهر ميشود أنّه يمدّكم بأسباب السموات و الأرض أنّه لهو المقتدر القدير ولكن قلم اعلى ترا و ساير دوستان را وصيت مينمايد بحكمت و به ما انزله الله فى الكتاب اليوم لازم و واجيست متابعت احكام الهى و از اعظم احكام حكمت است جميع بان مأمورند و تفصيل آن در الواح عربى و فارسى نازل شده بايد ملاحظه نمايند و بان عامل گردند و بايد بشانى ما بين خلق ظاهر شوند كه كل عرف اخلاق الهية را از ايشان بيابند و آنچه سبب ارتفاع امر و

تقدیس آنست بآن عامل گردند ای علی اگر نفوس مقبله از اراده‌های خود میگذشتند و به ما اراده الله عمل مینمودند حال اکثری از خلق بعرفان حقّ فائز بودند از جمله در اکثر الواح کل را بحکمت امر نمودیم بغیر آن عمل نمودند و همچنین قلم اعلیٰ کراراً و مراراً نهی فرمود عباد را از توجّه بشطر اقدس معذلک از امر الله غفلت نمودند آنچه لسان الله بآن تکلم میفرماید آن خیر محض بوده و خواهد بود طوبی لمن نبذ ما اراد و تمسک بارادة الله المهيمن القيوم انتهى

عرض این خادم فانی آنکه دوستان حقّ باید در جمیع احوال بحبل حکمت متمسک باشند چه که در کتاب الهی مکرراً این امر محکم نازل شده اکثری از ناس سالها بظنون و اوهام تربیت شده‌اند و خرق آن دفعهٔ واحده بسیار مشکل است رحمت حقّ جلّ کبریا نه سبقت گرفته بر کل لذا باید نفوسی که از صهبای معانی آشامیده‌اند و بکوثر علم ربّانی فائز شده‌اند بکمال رأفت و شفقت بادویّه مناسبه امراض نفوس غافله را مداوا نمایند تا ابصار از رمد اوهام مطهر شود و قلوب از امراض ظنون فارغ گردد باید مثل آن جناب احکام الهی را بکل برسانند تا جمیع مطلع شوند و به ما اراد الله عامل گردند الیوم بعضی از اهل بیان که بگمان خود خرق حجاب نموده‌اند و بغایهٔ قصوی رسیده‌اند در کلمهٔ مبارکهٔ انی انا الله که از مطلع ظهور ظاهر است توقّف نموده‌اند بلکه بواسطهٔ آن اعراض کرده‌اند حال ملاحظه نمائید چه قدر از صراط حقّ مستقیم بعیدند و از مقصود محروم و حال آنکه از قبل اخبار نموده‌اند چنانچه در خطبهٔ طنجنیه میفرماید فتوقّعوا ظهور مکلم موسی من الشجرة علی الطور و نقطهٔ اولی روح ما سواه فداه میفرماید او در هر شیء بانی انا الله ناطق است معذلک در بحور ریب متغمّسند و در هوای اوهام طایر تا چه رسد باحزاب مختلفه که هنوز ادراک یوم الله را ننموده‌اند چه که در آن یوم جز حقّ جلّ کبریا نه هیچ اسمی از اسماء مذکور نه مثلاً از اعلیٰ مراتب آن تا ادنی مقام آن از ذکر نبوت و ولایت و نقبا و نجبا و اوتاد جمیع از برای آن بود که ناس را بحقّ دعوت مینمودند و حال بعد از ظهور غیب مکنون و کنز مخزون اگر نفسی بغیر او ناظر باشد یا تمسک نماید البتّه از مقام بلند توحید و رتبهٔ اعلای تفرید محرومست یوم قیامت مسمیات کلّ این اسماء فضل بدیع را راجی و مرتجیند چه که علم الملك لله الواحد القهار مرتفع است و رایت انی انا الله در قطب عالم بر اعلیٰ المقام منصوب قسم بافتاب افق بیان اهل امکان غافلند اگر اقلّ از سمّ ابره به ما ظهر و لاح و اشرق و الاح مطلع میشدند از ما سوی الله میگذشتند و بندای لیبیک یا اله العالمین ناطق میشدند بلی این کوثر روحانی را هر نفسی سزاوار نبوده و نیست هنوز معنی خاتم النبیین که در فرقان نازل شده ادراک نموده‌اند چه که معلوم و واضحست که بعد از ختم نبوت تلویحاً و تصریحاً در کتاب الهی ظهور الله مذکور و مسطور است شرح این مقام بتمامه از قوه و احصا و احاطهٔ این عبد و امثال این عبد خارج است بهتر آنکه این بیان را باین کلمهٔ مبارکه ختم نمایم

یومی از ایّام بین اصحاب از مجاورین و مهاجرین لسان عظمت باین کلمه ناطق فرمودند امروز روزیست که از او اخبار داده‌اند بقوله تعالی یوم یأتی ربک متبصّرین از این بیان ادراک مینمایند که اگر نفسی در این یوم باسمى از اسماء متمسک شود و یا تشبّث نماید در مقامی از مشرکین محسوسست انتهى بیش از این گفتن مرا دستور نیست باری مقصود آنکه اگر نفسی که باعلی رتبهٔ ایقان و اطمینان فائز است امثال این بیانات را در اول مرتبه از برای طالب ذکر نماید البتّه او هلاک شود و بحیوة باقیه فائز نگردد باید برتبه و مقام او تکلم نمود تا قابل استماع نعمهٔ الهی گردد هر نفسی باندازه و مقدار او باید ریحی عرفان عطا شود مکرراً از لسان عظمت این کلمه اصغا شد که باید شاربان ریحی معانی و بیان در صدد تربیت جمیع عالم باشند و این مقام بسیار بلند است بلکه اعلیٰ من کلّ علو و اسمی من کلّ سمو طوبی لمن فاز بهذا المقام الأعزّ الأقدس الأملع الأظیم الأعلیٰ

استدعا آنکه همیشه این خادم فانی را برشحات قلمیهٔ مذکور و مسرور دارند و نفوس مشتعلّهٔ آن دیار را از جانب این بندهٔ فانی تکبیر منبع برسانید و بگوئید امروز روز استقامتست و امروز روز خدمت است جهد نمائید تا بامری فائز شوید که ذکر

آن بدوام الله باقی و دائم بماند استقامت از اعظم امور است چه که مشاهده شد نفسی که خود را از اهل ایمان می‌شمرد و در هوای ایقان طایر بود بنعیب غرابی از حقّ جلّ و عزّ ممنوع گشت انشاءالله باید آن جناب بکمال سعی و اجتهاد ناس را باستقامت دعوت نمایند چه که از قبل خبر فرموده‌اند کل را بنعاق ناعقین و ادّعی کاذبین و آنچه از قلم اعلی نازل شد البتّه ظاهر خواهد گشت سورۀ رئیس را تلاوت فرمائید و همچنین لوح ملک پاریس را که از اجزای سورۀ مبارکۀ هیکل است و همچنین لوح فؤاد که مخصوص یکی از احباب نازل شده و این لوح در وقتی نازل شد که فؤاد پاشا که وزیر خارجه روم بود بمقرّ خود راجع شده بود و سبب فتنۀ اخیره و مهاجرت از ارض سرّ به عکا او شده بود دو نفر بودند که بعد از سلطان رئیس کل بودند یکی فؤاد پاشا و یکی عالی پاشا گاهی این صدر اعظم بود و آن وزیر دول خارجه و گاهی بالعکس در آن لوح میفرماید قوله عزّ کبریاة سوف نعزل الّذی کان مثله و نأخذ امیرهم الّذی یحکم علی البلاد و انا العزیز الجبار و همچنین در کتاب اقدس در نقطۀ واقعۀ بین البحرین ملاحظه نمائید که مقصود از آن نقطه اسلامبولست چه که از یک جهتش بحر ایض است و جهة دیگر بحر اسود باری آنچه از قلم اعلی جاری کل ظاهر شده و اخبارهای دیگر هم که در الواح هست کل ظاهر خواهد شد نشهد أنّه هو العالم المقتدر السّامع البصیر الخبیر لذا باید احبّای الهی آنچه در الواح نازل شده در نظر داشته باشند که مباد از نعیتی خود را از فیوضات لانهایه محروم نمایند از حقّ میطلییم که جمیع احبّای خود را بآنچه اراده فرموده موفّق فرماید تا کل بکمال خضوع و خشوع و استغنا و تقدیس و تنزیه و اعمال حسنۀ طیّبه و اخلاق مرضیّه بشنای حقّ جلّ جلاله و تبلیغ امرش مشغول شوند انما البهَاء علیک و علی الّذین تزینوا برداء الاستقامه فی امر الله المقتدر العلیم الحکیم

خادم

[یادداشت]

۱ رقم ۹ بر طبق حساب ابجد معادل عددی کلمه "بهاء" است. ←

این سند از [کتابخانه منابع](http://www.bahai.org/fa/legal) بیهیابی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۵ ژانویه ۲۰۲۳، ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر